

رابطه خطرپذیری با عواطف منفی با توجه به کشودگی نسبت به احساسات

هاجر براتی*، حمیدرضا عریضی**

چکیده

پژوهش حاضر قصد بررسی رابطه بین خطرپذیری با عواطف منفی و اثر ویژگی شخصیتی کشودگی نسبت به احساسات بر این رابطه را داشت. نوع پژوهش شبه آزمایشی بود. به منظور دستیابی به اهداف پژوهش نمونه‌ای ۲۰۰ نفری از دانشجویان دانشگاه اصفهان که به صورت تصادفی ساده انتخاب شده بودند، به دو پرسشنامه خطرپذیری شخصی (ضریب اعتبار برابر ۰/۷۶) و کشودگی نسبت به احساسات (OF) (ضریب اعتبار برابر ۰/۷۱) پاسخ دادند. سپس این افراد به صورت تصادفی به دو گروه مساوی گمارده شدند و در یک گروه عاطفه منفی القا شد. داده‌ها با استفاده از آزمون t و ضریب همبستگی تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که میزان خطرپذیری در میان افراد دارای عاطفه منفی بالا و همچنین در افراد دارای کشودگی پایین نسبت به احساسات بیشتر است. همچنین در OF پایین، هرچه عاطفه منفی بیشتر باشد، خطرپذیری نیز بیشتر است. یافته‌ها در تبیین رفتار خطرپذیری کاربرد دارد.

کلید واژه‌ها

خطرپذیری شخصی، عاطفه منفی، کشودگی نسبت به احساسات

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان

Sahel3362@yahoo.com

** دانشیار گروه روانشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۹۰/۶/۳

تاریخ دریافت: ۸۹/۵/۳

مقدمه و بیان مسأله

«گر مهتری به کام شیر در است شو خطر کن ز کام شیر جوی»

نخستین شعر فارسی را، که افراد را به خطرپذیری دعوت می‌کند، حنظه باد غیسی سروده است، اما آیا آدمی هنگامی که خوش‌تر است، بیشتر خطر می‌کند یا هنگامی که در معرض عواطف منفی قرار دارد؟ واضح است نقش عواطف برای افراد باید مشخص باشد تا عواطف نقش خود را به عهده گیرند. متغیر فردی که توجه به عواطف فردی را می‌سنجد، گشودگی نسبت به احساسات نام دارد و هدف این پژوهش بررسی این روابط است.

این نکته اجتناب‌ناپذیر است که افراد به رخدادها و شرایط زندگی به شکل هیجانی و عاطفی پاسخ می‌دهند. در جوامع صنعتی نوین توجه به عواطف، رنگی ویژه گرفته و عواطف وارد عرصه پژوهش شده است (عریضی و گل پرور، ۱۳۸۸؛ حسن شاهی و گودرزی، ۱۳۸۳). تمایز میان عواطف و خلق بسیار مهم است (مهداد، ۱۳۸۷). حالت عاطفی یک تجربه‌آنی از هیجان خاصی چون عصبانیت و ترس است که عموماً در پاسخ به شرایط و موقعیت‌ها به وجود می‌آید. خلق یک سطح عام بلند مدت از حالات عاطفی مثبت در مقابل منفی است (فیشر^۱، ۲۰۰۰).

شواهد بسیاری وجود دارد که عواطف افراد بر قضاوت‌ها و ارزیابی‌های آن‌ها از دیگران و فرایندهای اجتماعی تأثیرگذار است (بلس^۲، ۲۰۰۰؛ فیدلر^۳، ۲۰۰۰). عواطف نه تنها بر آنچه افراد به آن توجه می‌کنند اثر دارد، بلکه بر آنچه به خاطر می‌آورند، بر تداعی اشیاء و بر شیوه تفسیر آن‌ها از فرایندهای اجتماعی نیز مؤثر است (کاریوکی و فورگاس^۴، ۲۰۰۰). عاطفه، هم به صورت مثبت و هم منفی، در این‌که افراد چگونه یاد می‌گیرند، به یاد می‌آورند، اندیشه و ارزشیابی می‌کنند و خطر می‌پذیرند، نقشی مؤثر ایفا می‌کند (بلس و فورگاس، ۲۰۰۰؛ فورگاس و کاریوکی، ۲۰۰۰). یان و لی^۵ (۲۰۰۳) در بررسی اثر عواطف بر خطرپذیری^۶ به این نتیجه

-
1. Fisher
 2. Bless
 3. Fiedler
 4. Ciarrochi & Forgas
 5. Yuen & Lee
 6. risk taking

رسیدند که عواطف می‌توانند در خطرپذیری افراد و در پردازش اطلاعات برای تصمیم‌گیری توسط آن‌ها (پترز^۱ و همکاران، ۲۰۰۳) تفاوت ایجاد کنند.

پژوهش‌ها رابطه بین خطرپذیری و عواطف مثبت و منفی را در دو جهت مخالف گزارش کرده‌اند. در گروه اول پژوهش‌ها، عاطفه مثبت با خطرپذیری رابطه مثبت دارد. فیشر و همکاران (۲۰۰۷) در بررسی اثر عواطف، شناخت‌ها و رفتارها بر میزان خطرپذیری در رانندگی مجازی (بازی‌های کامپیوتری) به این نتیجه رسیدند که عواطف یکی از عوامل مؤثر بر خطرپذیری در شرایط جاده هستند و خطرپذیری با عواطف رابطه مثبت دارد و چو^۲ و همکاران (۲۰۰۷) نیز در بررسی چگونگی تغییر خطرپذیری با تغییر حالت‌های خلق در میان بزرگسالان و نوجوانان به این نتیجه رسیدند که تمایل به خطرپذیری برای کسانی که شاد(خلق مثبت) بودند نسبت به افراد غمگین(خلق منفی)، در هر دو گروه جوانان و بزرگسالان بیشتر است.

در گروه دوم پژوهش‌ها، رابطه خطرپذیری با عاطفه منفی، مثبت گزارش شده است. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عاطفه منفی احتمال خطرپذیری در تصمیم‌گیری‌ها و بخت‌آزمایی‌ها را نسبت به عاطفه مثبت، بالاتر می‌برد(کاواس و کافمن^۳، ۲۰۰۴). دیسریچارد و دنایر^۴ (۲۰۰۵) در بررسی خود به این نتیجه رسیدند که سن، هیجان خواهی و عاطفه منفی و همچنین خشم و احساس خطر به‌طور مستقیم و نشانگان افسردگی به‌طور غیر مستقیم رفتارهای خطرپذیری را پیش بینی می‌کنند(کوری و یانگ بلید^۵، ۲۰۰۶). در همین پژوهش مشخص شد که عواطف به‌ویژه عواطف منفی بر رفتار خطرپذیری مؤثر است. پژوهش ونزیل-تامسون^۶ و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد که عواطف منفی بر خطرپذیری زنان، هر چند اندک، تأثیر گذار است و عواطف مثبت خطرپذیری بزرگسالان را کاهش می‌دهد(هاس و سیلبریسن^۷،

-
1. Peters
 2. Chou
 3. Kuvaas & Kaufmann
 4. Desrichard & Denarié
 5. Curry & Youngblade
 6. VanZile-Tamsen
 7. Haase & Silbereisen

۲۰۱۰). مک کولی اهانسیین و هسلبروک^۱ (۲۰۰۸) نیز در پژوهشی طولی، که در میان ۲۰۰ نوجوان کرده بودند، به این نتیجه رسیدند که عاطفه منفی و خشم، خطر پذیری را در بزرگسالی پیش بینی می‌کنند.

یافته‌ها درباره اثر عواطف منفی بر خطرپذیری و افزایش میزان آن به دو طریق، با توجه به یک عامل انگیزشی (فرضیه حفظ خلق) یا با در نظر داشتن یک عامل پردازش اطلاعات، تبیین پذیر است. طبق فرضیه حفظ خلق^۲ (آیزن و پاتریک^۳، ۱۹۸۳) افراد تمایل دارند، خود را در حالت هیجانی مثبت نگهدارند. بنابراین، افرادی که در یک حالت مثبت هیجانی هستند، برانگیخته می‌شود تا عواطف مثبت را حفظ کنند و عواطف منفی را تغییر دهند. در حالت هیجانی مثبت فرد خطر زیادی نمی‌پذیرد زیرا این رفتار احتمال بالقوه آسیب رسیدن به این حالت مثبت را بالا می‌برد. برعکس در حالت هیجانی منفی افراد به انجام دادن رفتار خطرپذیری، راغب‌تر هستند زیرا این رفتار توان بالقوه آن‌ها را برای تغییر حالت عاطفی منفی افزایش می‌دهد. بنابراین، اثر عواطف بر خطرپذیری از طریق تمایل به حفظ حالت عاطفی مثبت و تغییر حالت عاطفی منفی تبیین پذیر است.

شوارتز^۴ (۲۰۰۱) نشان داد که خلق بر پردازش اطلاعات تأثیر می‌گذارد. در پاسخ به این سؤال که آیا افراد در خلق منفی یا مثبت به پردازش اطلاعات اقدام می‌کنند، شوارتز (۲۰۰۱) می‌گوید که در مواقعی که افراد خلق مثبت دارند، موقعیت را ایمن در نظر می‌گیرند و بنابراین، نیازی به پردازش اطلاعات بیشتر نیست. در حالی که فرد دارای خلق منفی، مترصد رویدادهای منفی است و بنابراین، خلق به صورت علامتی برای تفسیر موقعیت در می‌آید. او موقعیت را ایمن در نظر نگرفته و پردازش اطلاعات بیشتری انجام می‌دهد. بنابراین، فردی که در خلق منفی به سر می‌برد، به نشانه‌های موقعیتی با حساسیت و واقعیت بیشتری واکنش نشان می‌دهد. به همین دلیل شوارتز (۲۰۰۱) خلق مثبت را مستعد خلأقیّت می‌داند زیرا در خلأقیّت فرایند ارزیابی باید به تعویق افتد.

-
1. McCauley Ohannessian & Hesselbrock
 2. mood – maintenance hypothesis
 3. Isen & Patrick
 4. Schwarz

با این حال برکویتس^۱ و همکاران (۲۰۰۰) در نظریه احساسات القاکننده سوگیری قضاوت^۲ نشان دادند که برای تأثیر عواطف بر قضاوت افراد به هنگام پردازش اطلاعات، افراد باید نخست دریچه درونی خود را نسبت به اطلاعات بگشایند و این دریچه معمولاً موقعی گشاده می‌شود که بین نوع اطلاعات و علامت خلق رابطه وجود داشته باشد. به عنوان مثال کاواس و کافمن (۲۰۰۴) نشان دادند افرادی که اطلاعات موافق با خلق خود دریافت کردند (خلق مثبت / اطلاعات مثبت و خلق منفی / اطلاعات منفی) یادآوری بهتری نسبت به افرادی داشتند که اطلاعات مخالف خلق خود دریافت کردند. به عبارتی این رابطه تحت تأثیر نیازها و ویژگی‌های تصمیم‌گیرنده قرار دارد. یکی از ویژگی‌های مؤثر بر رابطه بین عواطف و خطرپذیری، گشودگی نسبت به احساسات^۳ (OF) است (فورگاس و کاریوکی، ۲۰۰۱). گشودگی نسبت به احساسات یک ویژگی شخصیتی است و میزانی را نشان می‌دهد که افراد نسبت به حالات درونی خود پذیرا هستند و معتقدند این احساسات در زندگی روزانه آنها با اهمیت است (چانگ و لین^۴، ۲۰۰۷). این پژوهشگران در بررسی خود به این نتیجه رسیدند که افرادی که در مقیاس گشودگی نسبت به احساسات نمره بالاتری کسب می‌کنند، نسبت به افرادی که در این مقیاس نمره کمتری دریافت می‌کنند، بیشتر تحت تأثیر عواطف خود قرار می‌گیرند. برکویتس و همکاران (۲۰۰۰) به این نتیجه رسیدند که اثر عواطف بر قضاوت هنگام توجه قضاوت‌گر به حالت درونی خود، ظاهر نمی‌شود. در این مطالعه، توجه متمرکز بر خود به‌طور معناداری گشودگی نسبت به احساسات را کاهش داد و به کنترل انتخابی منجر شد، راهبرهای پردازش را برانگیخت و بنابراین، باعث شد که مشارکت کنندگان در پژوهش حالات عاطفی و هیجانی خود را نادیده بگیرند. اثر عواطف باید توسط متغیر گشودگی نسبت به احساسات تعدیل شود، زیرا افرادی که در گشودگی نسبت به احساسات پایین هستند عادت دارند که احساسات خود را نادیده بگیرند، ولی افرادی که گشودگی نسبت به احساسات بیشتری دارند، به عواطف خود اعتماد می‌کنند و به شدت تحت تأثیر خلق خود قرار

-
1. Berkowitz
 2. feeling induced judgment biases
 3. openness-to- feeling
 4. Chuang & Lin

می‌گیرند (مارتین^۱، ۲۰۰۰).

با توجه به مطالب مذکور پژوهش حاضر در پی برآوردن دو هدف بود: اول این‌که رابطه بین عواطف منفی و خطرپذیری بررسی شود تا با توجه به پژوهش‌های متناقض پیشین، جهت این رابطه مشخص شود و دوم، نقش تعدیلی متغیر گشودگی نسبت به احساسات در رابطه بین عواطف منفی و خطرپذیری بررسی شود. بنابراین، سه فرضیه زیر آزمایش شد:

فرضیه اول: میزان خطرپذیری در میان افراد دارای عاطفه منفی بالا نسبت به افراد دارای عاطفه منفی پایین بیشتر است.

فرضیه دوم: میزان خطرپذیری در میان افراد دارای گشودگی بالا نسبت به احساسات در مقایسه با افراد دارای گشودگی پایین نسبت به احساسات کمتر است.

فرضیه سوم: رابطه بین خطرپذیری با عواطف منفی در افراد دارای گشودگی بالا نسبت به احساسات در مقایسه با افراد دارای گشودگی پایین نسبت به احساسات بیشتر است.

روش پژوهش

نمونه پژوهش حاضر ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه اصفهان بودند که نیمی دختر و نیمی پسر بودند. گروه اول میانگین سنی ۲۰/۷۴ با انحراف معیار ۲۶ داشتند و گروه دوم میانگین سنی ۲۰/۰۹ و انحراف معیار ۱/۴۲ داشتند. این نمونه به روش تصادفی ساده انتخاب شده بود. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران برای $p=0/5$ و $q=0/5$ و $t=1/96$ و s انحراف معیار ابزارها در پژوهش‌های قبلی استفاده شد که بیشینه حجم نمونه با توان آماری ۰/۸ (برای کفایت حجم نمونه) ۱۹۵ نفر بود که برای احتمال افت، اندکی بیشتر یعنی ۲۰۰ نفر انتخاب شد. ابزارهای پژوهش دو پرسشنامه و یک مداخله القایی را شامل بود که به ترتیب شرح داده می‌شود:

۱. پرسشنامه گشودگی نسبت به احساسات فورگاس و کاریوکی (۲۰۰۱) که ۸ سؤال دارد مانند «من به ندرت در همان لحظه بروز به احساساتم توجه می‌کنم» و «چگونگی احساسم نسبت به چیزها برایم مهم است». شرکت کنندگان در پژوهش در یک مقیاس

پنج درجه‌ای لیکرتی (از بسیار مخالفم تا بسیار موافقم) به آن پاسخ دادند و ضریب آلفای کرونباخ برای آن برابر ۰/۸۳ بود. همچنین این مقیاس ضریب اعتبار ۰/۷۱ داشت. شایان ذکر است که برای سنجش ضریب اعتبار در یک سؤال به‌طور کلی مفهوم مقیاس پرسیده شده بود « تا چه اندازه به احساس خود در مورد چیزهای مختلف اهمیت می‌دهید؟ ». سپس همبستگی بین نمره فهرست با آن به عنوان ضریب اعتبار در نظر گرفته شد.

۲. پرسشنامه خطرپذیری شخصی (PRI) هاکی^۱ و همکاران (۲۰۰۰) برای سنجش خطرپذیری به کار رفت. این پرسشنامه برای ارزیابی موقعیت‌های خاصی طراحی شده است که در آن افراد در زندگی روزمره به انتخاب از بین گزینه‌هایی نیاز دارند که به صورت سناریوهای مختلف (از قبیل اقتصادی، قانونی، اجتماعی و غیره) ارائه می‌شد. مشارکت کنندگان باید تصور می‌کردند که در چنین موقعیتی چه احساسی دارند و از بین دو عمل (الف یا ب) که می‌توانند، دست به انتخاب بزنند. موقعیت الف یک موقعیت «خطر» بود و موقعیت ب یک موقعیت «ایمن». برای این که سنجشی دقیق به‌دست آید، از پاسخ دهندگان خواسته شد که میزان تعهد خود به انتخابشان را در یک مقیاس ۱۰ درجه‌ای (از مطمئناً الف تا مطمئناً ب) مشخص کنند. در این پرسشنامه ۱۳ سناریو وجود دارد. برای سنجش ضریب اعتبار این مقیاس نیز یک سؤال به‌طور کلی از شرکت کنندگان پرسیده شده بود: « تا چه اندازه خود را فردی خطرپذیر می‌دانید؟ ». همبستگی بین نمره کلی پرسشنامه خطرپذیری شخصی با این سؤال برابر ۰/۷۶ بود که نشانه ضریب اعتبار مناسب و معتبر بودن پرسشنامه است.

۳. مداخله القایی - القای هیجانی^۲ برای دستکاری هیجانات و ایجاد هیجان منفی استفاده شد. در این مداخله از شرکت کنندگان در گروه آزمایش (یعنی ۱۰۰ نفر از کل شرکت کنندگان) خواسته شد که موقعیت یا رویدادی را به یاد آورند که هیجانی منفی را در آن‌ها فعال می‌کند. بعد از این که شرکت کنندگان برای چند دقیقه آن موقعیت را

یادآوری کردند، ۱۰ سؤال کلی درباره آن موقعیت ویژه پرسیده شد، مانند:

- ۱- لطفاً درباره این رویداد منفی شرح دهید که احساس غم ناشی از آن چگونه بود؟
- ۲- چه حادثه‌ای رخ داده بود که شما احساس غم می‌کردید؟
- ۳- چرا این چیزها در شما احساس غم به وجود می‌آورند؟
- ۴- چگونه متوجه شدید که در آن موقعیت احساس غم می‌کردید؟
- ۵- وقتی در آن موقعیت احساس غم کردید، چه انجام دادید؟

طرح این سؤال‌ها نخست برای ژرف شدن هیجان‌القایی و پردازش اطلاعات مربوط به موقعیت بود. بلافاصله بعد از این که خلق القا می‌شد، پژوهشگر در یک سؤال کلی از شرکت‌کنندگان می‌پرسید که «در همین لحظه چقدر احساس می‌کنید که دارای خلقی منفی هستید» و «بودن در چنین موقعیتی چقدر ناراحت‌کننده است» شرکت‌کنندگان به این دو سؤال در یک مقیاس هفت درجه‌ای از ۱= بسیار کم تا ۷= بسیار زیاد پاسخ دادند.

روش اجرا و جمع‌آوری داده‌ها

شرکت‌کنندگان به محل اجرای پژوهش مراجعه کردند و به صورت تصادفی به دو گروه گمارده شدند و یکی از گروه‌ها که در واقع گروه آزمایشی ($n=100$) بود، تحت مداخله القای خلق منفی قرار گرفت. گروه دیگر به عنوان گروه گواه ($n=100$) در نظر گرفته شد که خلقی در آنها القا نشد. سپس شرکت‌کنندگان به پرسشنامه‌های گشودگی نسبت به احساسات و خطرپذیری شخصی پاسخ دادند. با توجه به وجود دو ابزار پرسشنامه‌ای و یک روش مداخله‌ای می‌توان پژوهش حاضر را از نوع شبه آزمایشی به حساب آورد.

تحلیل داده‌ها: مقایسه گروه‌ها به کمک t مستقل و مقایسه روابط بین گروه‌ها با تبدیل به z فیشر و آماره مقایسه ضرایب همبستگی انجام شد. در اینجا ملاک، گروه بندی برای مقایسه گشودگی نسبت به احساسات و عواطف بود. برای مقایسه روابط بین گروه‌ها، گشودگی نسبت به احساسات به عنوان متغیر تعدیلی بود که می‌توان با تحلیل رگرسیون تعدیلی یا تبدیل زیرگروه‌ها مقایسه را انجام داد که به دلیل بیشتر بودن توان تحلیل زیر گروه‌ها، از این روش استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های حاصل از پژوهش در جداول زیر ارائه شده است. در جدول ۱ آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و ضرایب پایایی مشاهده می‌شود.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی متغیرها و ضرایب پایایی

مقیاس‌های پژوهش	تعداد سؤال	میانگین	انحراف معیار	α	بازآزمایی
گشودگی به احساسات	۸	۳/۱۴	۰/۸۴	۰/۷۱	۰/۷۲
خطرپذیری شخصی	۱۳	۵/۴۲	۱/۹۲	۰/۷۷	۰/۷۳
عواطف منفی	۱۰	۲/۴۷	۰/۷۶	۰/۷۸	۰/۷۵

همان‌طور که می‌توان در جدول ملاحظه کرد بیشترین میانگین و انحراف معیار مربوط به خطرپذیری شخصی است و کمترین میانگین و انحراف معیار مربوط به عواطف منفی است. ضرایب پایایی α و بازآزمایی با توجه به تعداد سؤالات در حد مناسبی است. در جدول ۲ میانگین نمرات خطرپذیری در دو گروه گشودگی نسبت به احساسات بالا و پایین و همچنین عواطف منفی بالا و پایین مقایسه شده است.

جدول ۲: مقایسه میانگین نمرات خطرپذیری در دو گروه گشودگی بالا و پایین نسبت به احساسات و عواطف منفی بالا و پایین

متغیر	میانگین	انحراف معیار	t	df
خطرپذیری	OF بالا	۵/۵۳	۱/۷۷*	۱۹۸
	OF پایین	۶/۲۴		
خطرپذیری	عواطف منفی بالا	۷/۲۴	۱۳/۸۶*	۱۹۸
	عواطف منفی پایین	۵/۱۶		

* $P < 0/05$

همان‌طور که مشاهده می‌شود تفاوت میانگین خطرپذیری در میان دو گروه گشودگی بالا و پایین نسبت به احساسات معنادار است و این میانگین در گروه گشودگی پایین نسبت به احساسات، بیشتر است.

در این جدول همچنین ضریب t برای متغیر عواطف منفی نیز معنادار بود و در گروه دارای عواطف منفی بالا، میانگین خطرپذیری بیشتر است. بنابراین، فرضیه‌های اول و دوم

پژوهش تأیید می‌شود. در این جدول درجه آزادی برابر ۱۹۸ گزارش شده است که با توجه به مستقل بودن گروه‌ها و حجم نمونه در هر گروه که برابر ۱۰۰ نفر است، با استفاده از فرمول $n_1 + n_2 - 2$ محاسبه انجام شد.

جدول ۳: رابطه خطرپذیری با عواطف منفی

Z	Zr2	Zr1	OF پایین n=۵۰	OF بالا n=۵۰	رابطه خطرپذیری با عواطف منفی
۲/۱۱۵*	۰/۶۷۸	۰/۲۵۵	۰/۵۹*	۰/۲۵*	

* $P < ۰/۰۵$

جدول ۳ رابطه خطرپذیری را با عواطف منفی در دو گروه مقایسه می‌کند. در هر دو نمونه گشودگی بالا نسبت به احساسات و گشودگی پایین نسبت به احساسات، رابطه خطرپذیری با عواطف منفی در سطح ۰/۰۵ معنادار و مثبت است. به منظور بررسی تفاوت بین دو گروه ضرایب Z فیشر محاسبه شده است. مشاهده می‌شود که از این جهت بین دو گروه تفاوت وجود دارد ($Z = ۲/۱۱۵ < ۱/۹۸$). با توجه به یافته‌های این جدول فرضیه سوم تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر رابطه بین عواطف منفی و خطرپذیری و همچنین نقش تعدیلی متغیر گشودگی نسبت به احساسات در این رابطه بررسی شد.

جدول ۲ نشان داد که تفاوت میانگین خطرپذیری در بین دو گروه عواطف منفی بالا و عواطف منفی پایین معنادار است و در گروه دارای عواطف منفی بالا، میانگین خطرپذیری بیشتر است. این یافته‌ها ضمن تأیید فرضیه اول با توجه به مطالب مذکور در مقدمه تبیین‌پذیر است. طبق فرضیه حفظ خلق (آیزن و پاتریک، ۱۹۸۳) در حالت هیجانی منفی افراد به انجام دادن رفتار خطرپذیری راغب هستند زیرا این رفتار توان بالقوه آن‌ها را برای تغییر حالت عاطفی منفی افزایش می‌دهد. داستایوسکی، رومان نویس بزرگ، این نکته را در تاس با همسر خود آنا گریگورینا به خوبی توضیح داده است. او که به قمار تمایل و رغبت داشت، می‌گوید: «هنگامی که غم مرا فرا می‌گیرد، قمار می‌کنم به این امید که با برد روحیه خود را بهتر کنم». قمار کردن نمونه رفتار خطر کردن است (در واقع «قمار باز» یکی از کتاب‌های داستایوسکی

است که جلال آل احمد آن را به فارسی ترجمه کرد که حدیث نفس خود اوست. پژوهش‌ها نشان داد (فان^۱ و همکاران، ۲۰۰۲) که تحت عاطفه منفی فعال سازی مناطقی از مغز که به تقاضاها حساس است، بیش از عاطفه مثبت رخ می‌دهد (واگر^۲ و همکاران، ۲۰۰۳). کانتسون^۳ و همکاران (۲۰۰۵) و پالاس^۴ و همکاران (۲۰۰۳) در بررسی خود به این نتیجه رسیدند که تحت شرایط عاطفه منفی خطرپذیری بیشتر است؛ زیرا فرد با عاطفه منفی، کمتر قدرت پیش‌بینی درست وقایع را دارد و همچنین عاطفه منفی از سرعت پردازش ذهنی می‌کاهد (حاتمی و زمانی، ۱۳۸۲). هاکی و همکاران (۲۰۰۰) نشان دادند که در وقایعی مبهم، که در آن‌ها فقدان قطعیت وجود ندارد، احتمال خطرکردن بیشتر است. این نتیجه می‌تواند ابهام حاصل از پژوهش‌های مختلف که نتایجی متضاد داشته‌اند مانند پژوهش لیث و بایومیستر^۵ (۱۹۹۶) را برطرف کند. این پژوهشگران در پژوهش خود که دارای ۶ مطالعه بود به نتایج ضد و نقیضی دست یافتند. نتایج مطالعه اول نشان داد که خلق بد و منفی به اتخاذ تصمیمات خطرپذیرتر از سوی شرکت کنندگان منجر می‌شود و مطالعه ۴ نشان داد خلق منفی خطرپذیری را حتی تشویق می‌کند، اما در مطالعات ۵ و ۶ همان پژوهش، نتایج نشان داد که تمایل به خطر به وسیله خلق نامطبوع محدود می‌شود. بنابراین، می‌توان بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، به‌طور کلی اذعان کرد که خلق منفی خطرپذیری را افزایش می‌دهد ($\bar{X}_{G1} = 7/24 < \bar{X}_{G2} = 5/16$ p < 0/05).

همچنین در همان جدول مشاهده شد که تفاوت میانگین خطرپذیری در بین دو گروه گشودگی بالا و پایین نسبت به احساسات معنادار است و این میانگین در گروه گشودگی پایین نسبت به احساسات، بیشتر است. بدین معنی که گشودگی پایین نسبت به احساسات به خطرپذیری بیشتر منجر می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌داد که افراد دارای گشودگی پایین نسبت به احساسات، برای نادیده گرفتن احساسات خود تمایل قوی دارند و بسیار برانگیخته‌اند که احساسات خود را کنترل کنند و حتی ممکن است رفتار ناهمخوان با خلق انجام دهند. در واقع

-
1. Phan
 2. Wager
 3. Knutson
 4. Paulus
 5. Leith & Baumeister

تمایل بسیار این افراد در کنترل احساسات خود، بیشتر خطر کردن آن‌ها را باعث می‌شود (کاریوری و فورگاس، ۲۰۰۰). یافته‌ها نیز مؤید همین موضوع است. امام‌علی (ع) فرمود: آن کس که از درون جان واعظی دارد، خدا را بر او حافظی است (جدول ۲، $p < 0.05$ ، $\bar{X} = 6/24$ of). ($\bar{X}_{off} = 5/53$ of).

جدول ۳ نشان داد که در هر دو گروه گشودگی بالا نسبت به احساسات و گشودگی پایین نسبت به احساسات، رابطه خطرپذیری با عواطف منفی، معنادار و مثبت است. این یافته‌ها نشان داد که

خطرپذیری تحت تأثیر عواطف منفی و گشودگی نسبت به احساسات قرار می‌گیرد. بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که گشودگی نسبت به احساسات می‌تواند در رابطه بین خطرپذیری با عواطف نقش تعدیل‌گر را بازی کند (فورگاس و کاریوکی، ۲۰۰۱). در گشودگی پایین نسبت به احساسات افراد احساسات درونی خود را نادیده می‌گیرند و از راهبردهای انگیزشی برای تحلیل موقعیت و تصحیح محرک‌های تحت تأثیر آن‌ها، استفاده می‌کنند. در نتیجه می‌توانند اثرات هیجان‌ها را حذف کنند. چندین مطالعه مانند کاواس و کافمن (۲۰۰۴) نشان داده که چطور چنین تلاش‌های انگیزشی برای نادیده گرفتن احساسات به سوگیری‌های هیجانی تصحیحی منجر می‌شود. اثر عواطف باید توسط متغیر گشودگی نسبت به احساسات تعدیل شود زیرا افرادی که در گشودگی نسبت به احساسات پایین هستند عادت دارند که احساسات خود را نادیده بگیرند، ولی افرادی که گشودگی نسبت به احساسات بیشتری دارند، به عواطف خود اعتماد می‌کنند و به شدت تحت تأثیر خلق خود قرار می‌گیرند (مارتین، ۲۰۰۰). شاید به همین دلیل در افراد با گشودگی بالا به احساسات، عواطف منفی راهبری فرد را به دست آورده که رابطه بیشتری با خطرپذیری دارد ($p < 0.05$).

پژوهش حاضر به نقش بیش از پیش عواطف و هیجان‌ها به‌ویژه عاطفه منفی در رفتارهای افراد مثل خطرپذیری تأکید کرد. همان‌طور که مشاهده شد هیجان‌ها می‌تواند در این رفتار تفاوت ایجاد کند. بنابراین، توجه به این عواطف در افراد در بسیاری از زمینه‌ها از جمله در قضاوت‌های مصرف‌کنندگان درباره یک کالا، در قضاوت و ارزیابی وکلا و قضاوت در زمینه جرائم، در پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، متقاعدسازی و روان‌شناسی صنعتی و سازمانی مهم به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر ویژگی شخصیتی گشودگی نسبت به احساسات برای اولین بار در پژوهش‌های داخلی مطرح و مشخص شد که می‌تواند در خطرپذیری و همچنین در رابطه بین خطرپذیری و عاطفه منفی تفاوت ایجاد کند. بنابراین، توجه به این ویژگی شخصیتی می‌تواند در پیش‌بینی رفتار خطرپذیری مؤثر باشد. تکرار این پژوهش در سایر حیطه‌ها می‌تواند به یافته‌های علمی بیشتر و کاربرد پذیری بیشتر آن منجر شود.

درباره سه متغیر پژوهش حاضر که گشودگی نسبت به احساسات، خطرپذیری و عواطف منفی بودند، عواطف منفی و خطرپذیری مستقل از فرهنگ هستند. با این حال، گشودگی نسبت به احساسات تا اندازه زیادی وابسته به فرهنگ است و در برخی جوامع و فرهنگ‌ها و حتی در داخل یک فرهنگ تفاوت‌هایی در گشودگی نسبت به احساسات دیده می‌شود. با وجود این هدف پژوهش حاضر تشخیص گشودگی نسبت به احساسات نبود. بنابراین، به نظر نمی‌رسید که استفاده از ابزار سنجش آن نیازمند هنجاریابی داده‌ها باشد. افراد ممکن است در این مقیاس نمرات پایین یا بالایی به دست آورند. در سؤالات مقیاس گشودگی نسبت به احساسات عامل فرهنگی خاصی به صورت شکلی وجود نداشت، اما برای بررسی دقیق‌تر آن نیاز به نوع خاصی از کاربرد نظریه سؤال- پاسخ (IRT) یعنی سنجش DIS است که در مراحل ساخت آزمون در پژوهش‌های بین فرهنگی مستقیماً مشخص می‌کند که کدام سؤال به فرهنگ وابسته و کدام از آن مستقل است. اجرای این پژوهش و پژوهش‌هایی از این قبیل به پژوهشگران بعدی توصیه می‌شود.

همان‌طور که در پیشینه اشاره شد، پژوهش ونزیل- تامسون و همکاران (۲۰۰۶) نشان دادند که عواطف منفی بر خطرپذیری زنان، هرچند اندک، تأثیر گذار است و عواطف مثبت خطرپذیری بزرگسالان را کاهش می‌دهد (هاس و سیلبرینسن، ۲۰۱۰). با توجه به این پژوهش‌ها به نظر می‌رسد بررسی نقش جنسیت یا سن در میزان خطرپذیری مفید خواهد بود که متأسفانه در پژوهش حاضر امکان بررسی آنها فراهم نبود. پژوهشگران آینده می‌توانند این متغیرها را در پژوهش‌های خود در این زمینه وارد کرده و جامعه علمی را از نتایج آن مطلع کنند.

اگرچه ضرایب همبستگی گزارش شده در جدول ۳ نسبتاً کوچک هستند و بنابراین، ضرایب تعیین (r^2) کوچک خواهند بود (به ترتیب برای گروه OF بالا و OF پایین برابر ۰/۰۶ و ۰/۳۴)، توضیح این نکته ضروری است که در پژوهش حاضر، ملاحظات آماری از قبیل

انتخاب تصادفی و توزیع برابر در دو گروه و نیاز توزیع برابر در گروه‌ها که مستلزم روش‌های غیر احتمالاتی از قبیل نمونه‌گیری سهمیه‌ای را منتفی می‌کند؛ سبب شده است که تحلیل زیر گروه میسر نشود. بنابراین، نقش جنسیت بررسی نشد و پژوهشگران بعدی می‌توانند در رابطه با جنسیت و نوع رابطه‌ها مقایسه‌هایی را انجام دهند چون به نظر می‌رسد گشودگی نسبت به احساسات در زنان نسبت به مردان بیشتر باشد. به عبارت دیگر در این پژوهش، پژوهشگران قادر بودند بر اساس نمره افراد در مقیاس گشودگی به احساسات میانه نمره‌ها را برای تقسیم افراد در دو گروه مبنای ایجاد گروه‌ها در نظر گیرند. نکته شایان توجه این که در رگرسیون‌های چندگانه در پیش‌بینی متغیر ملاک، ضریب همبستگی معمولاً بین ۰/۳ تا ۰/۴ است (واریانس تبیین کننده مربع آن یعنی ۰/۰۹ یا ۰/۱۶ می‌شود). ممکن است این اشکال پیش آید که این ضرایب کوچک است، اما باید توجه کرد که هدف بررسی معنادار بودن رابطه است و در مواردی از قبیل تحلیل عاملی که عامل‌های یک پرسشنامه بر خودشان تبیین می‌شود ضریب همبستگی بالاتر (و واریانس حتی تا ۱۰۰ درصد) قابل انتظار است یا در پژوهش‌های پایایی که ضریب همبستگی یک متغیر با خودش (بازآزمایی) انجام می‌شود، انتظار همبستگی بالا می‌رود، اما همبستگی در این نوع پژوهش‌ها در همین حدود است. چنین مطلبی را هانتر و اشمیت (۱۹۸۴) در مجله روان‌شناسی کارکنان نیز خاطر نشان کرده‌اند که هر چند ضریب تعیین بیش از این نیست، ولی روشی بهتر از این نیز وجود ندارد. یک توصیه مهم به افراد این که هر چند خطرپذیری ویژگی خوبی (به‌خصوص در مواردی مثل خلاقیت یا کارآفرینی) است، اما باید مراقب تصمیمات اتخاذ شده در حالت خلق منفی بود و برای اطمینان بیشتر باید تصمیم‌ها را در خلق مثبت نیز مرور کرد. خطر برای بهتر کردن حال افراد نیست زیرا با این پیش فرض انجام نشده که به موفقیت منتهی شود و موفقیت همیشه حاصل خطر کردن نیست.

به طور کلی محدودیت‌های پژوهش را می‌توان به این صورت خلاصه کرد: اول ای که نمونه پژوهش دانشجویان بودند و تعمیم نتایج به گروه‌های گسترده‌تر باید با احتیاط انجام شود. دوم این که، روش القای خلق در این پژوهش که یادآوری خاطرات منفی بود، نیرومندی چارچوب نظری پژوهش را محدود می‌کند و پژوهشگران بعدی باید به خلق طبیعی و نه خلق القایی افراد در هنگام تصمیم‌گیری و خطر کردن نیز توجه داشته باشند.

منابع

- حاتمی، جواد و زمانی، رضا، (۱۳۸۲). تأثیر حالات خلقی بر سرعت پردازش ذهنی. مجله روان شناسی و علوم تربیتی، ۳۳(۲)، ۱-۲۵.
- حسن شاهی، محمد مهدی و گودرزی، محمد علی، (۱۳۸۳). اثر خلق بر عملکرد سیستم حافظه. فصلنامه اصول بهداشت روانی، ۲۱ و ۲۲، ۳۷-۴۷.
- عریضی، حمید رضا و گل پرور، محسن، (۱۳۸۸). تأثیر حالات خلقی لحظه‌ای بر رضایت شغلی لحظه‌ای و تاخیری. مطالعات آموزش و یادگیری (علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۱۱ (پیاپی ۲-۵۶): ۱۴۱-۱۶۶.
- مهداد، علی، (۱۳۸۷). روان شناسی صنعتی و سازمانی. چاپ ششم، اصفهان: جنگل.
- Berkowitz, L; Jaffee, S; Jo, E & Troccoli, B. T. (2000).** *On the correction of feeling induced judgmental biases.* In J. P. Forgas(Ed.), *Feeling and thinking: The role of affect in social cognition*(pp. 131-152). New York: Cambridge University Press.
- Bless, H, (2000).** *The interplay of affect and cognition: The role of general knowledge structures.* In: J. P. Forgas (Ed.) *Feeling and thinking: The role of affect in social cognition.* New York: Cambridge University Press.
- Bless, H & Forgas, J. P, (2000).** *Mood and the use of general knowledge structures.* In L. L. Martin & G. L. Clore (Eds.), *Theories of mood and cognition: A user's guidebook* (pp. 9-26). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Chou K; Lee T. M. C & Ho A. H. Y, (2007).** Does Mood State Change Risk Taking Tendency in Older Adults? *Psychology and Aging*, 22, (2), 310-318.
- Chuang S-C & Lin H-M,(2007).** The Effect of Induced Positive and Negative Emotion and Openness-to-Feeling in Student's Consumer Decision Making. *Journal of Business Psychology* , 22:65-78
- Ciarrochi, J & Forgas, J, (2000).** The pleasure of possessions: Affective influences and personality in the evaluation of consumer items. *European Journal of Social Psychology*, 30, 631-649.
- Curry LA & Youngblade L M,(2006).** Negative affect, risk perception, and adolescent risk behavior. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 27(5), 468-485.
- Desrichard O & Denarié V, (2005).** Sensation seeking and negative affectivity as predictors of risky behaviors: A distinction between occasional versus frequent risk-taking. *Addictive Behaviors*, 30(7), 1449-1453.
- Fiedler, K, (2000).** *Towards an integrative account of affect and cognition phenomena using the BIAS computer algorithm.* In: J. P. Forgas (Ed.) *Feeling and Thinking: The role of affect in social cognition.* New York: Cambridge University Press.

- Fisher, C. D. (2000).** Mood and emotion while working: Missing pieces of job satisfaction? *Journal of Organizational Behavior*, 21, 185-202.
- Fischer P; Kubitzki J; Guter S & Frey D (2007).** Virtual Driving and Risk Taking: Do Racing Games Increase Risk-Taking Cognitions, Affect, and Behaviors? *Journal of Experimental Psychology: Applied*, 13(1), 22-31.
- Forgas, J. P & Ciarrochi, J. (2000).** *Mood congruent and incongruent thoughts over time: The role of self-esteem in mood management efficacy.* Manuscript submitted for publication.
- Forgas, J. P & Ciarrochi, J. (2001).** On being happy and passive: The interactive effects of mood & personality on consumer judgment. *Psychology and Marketing*, 18, 239-260.
- Haase C M & Silbereisen R K, (2010).** Effects of positive affect on risk perceptions in adolescence and young adulthood. *Journal of Adolescence*, In Press, Corrected Proof.
- Hockey, G. R. J. , Maule, A. J. , Clough, P. J & Bdzola, L, (2000).** Effects of negative mood states on risk in everyday decision making. *Cognition and Emotion*, 14, 823-855.
- Hunter, F & Schmidt, R, (1984).** Forty questions about validity generalization, *Personnel Psychology*, 37, 303-359.
- Isen, A. M & Patrick, R, (1983).** The effects of positive affect on risk-taking: When the chips are down. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 31, 194-202.
- Leith, K. P & Baumeister, R. F, (1996).** Why do bad moods increase self-defeating behavior? Emotion, risk taking, and self-regulation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 71(6), 1250-1267.
- Knutson B; Taylor J; Kaufman M. T; Peterson R & Glover G, (2005).** Distributed neural representation of expected value. *J. Neurosci*, 25, pp. 4806-4812.
- Kuvaas, B & Kaufmann, G. (2004).** Impact of mood, framing, and need for cognition and decision makers' recall and confidence. *Journal of Behavioral Decision Making*, 17, 59-74.
- Martin, L. L, (2000).** *Moods don't convey information: Moods in context do.* In: J. P. Forgas (Ed.) *Feeling and Thinking: The role of affect in social cognition.* New York: Cambridge University Press.
- McCauley Ohannessian C & Hesselbrock V M, (2008).** Paternal Alcoholism and Youth Substance Abuse: The Indirect Effects of Negative Affect, Conduct Problems, and Risk Taking. *Journal of Adolescent Health*. 42(2) , 198-200.
- Paulus M. P; Rogalsky C & Simmons A, (2003).** Increased activation in the right insula during risk-taking decision making is related to harm avoidance and neuroticism. *Neuroimage*, 19, 1439-1448.
- Peters E; Slovic P & Gregory R, (2003).** The role of affect in the WTA/WTP disparity. *Journal of Behavior Decision Making*, 16, 309-330.

- Phan K. L;Wager T. D; Taylor S. F& Liberzon I,(2002).** Functional neuroanatomy of emotion: A meta-analysis of emotion activation studies in PET and fMRI *Neuroimage* ,13 331–348.
- Schwarz ,N & Clore, G. L,(1983).** Mood, misattribution and judgment of well being: Informative & directive functions of affective states. *Journal of Personality & Social Psychology*,45,512-523.
- Schwarz, N, (2001).** *Feelings as information: Implications for affective influences on information processing.* In L. L. Martin & G. L. Clore (Eds.), *Theories of mood and cognition: A user's guidebook* (pp. 159–176). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- VanZile-Tamsen C;Testa M; Harlow L L & Livingston J A,(2006).** A Measurement Model of Women's Behavioral Risk Taking. *Health Psychology*, 25(2),249-254.
- Wager T. D; Phan K. L; Liberzon I & Taylor S. F,(2003).** Valence, gender, and lateralization of functional brain anatomy in emotion: A meta-analysis of findings from neuroimaging *Neuroimage*19,513-531.
- Yuen K S. L & Lee, T M. C,(2003).** Could mood state affect risk-taking decisions? *Journal of Affective Disorders*, 75(1),11-18.

